

# عهد و گفتگو



تفسیر پاراشای هفته  
توسط ربای ساکس

"من ایمان دارم" - تفسیرهای تورات از ربای لرد جاناتان ساکس در سال ۵۷۸۰

پاراشای هفته: **לך לך 5780**

کاخ شعله ور در آتش

Rabbi Lord Jonathan Sacks

A Palace in Flames

Lech Lecha 5780

چرا ابراهیم برگزیده شد؟ هنگام خواندن نخستین سطرهای پاراشای این هفته، همین پرسش در ذهن ما بیدار می شود. ابراهیم شخصیت کلیدی در ایمان ما، پدر ملت ما و قهرمان یکتاپرستی است که نه تنها یهودیان، بلکه مسیحیان و مسلمانان نیز او را تقدیس می کنند. اما توصیفی که در تورات از زندگی سال های نخست او می آید، سرنخی به دست نمی دهد که چرا او برگزیده شد تا کسی باشد که خدا به او بگوید: "از تو ملتی عظیم می سازم... و همه مردمان زمین از جانب تو تبرک خواهند شد."

بس عجیب است. در مورد نوح، متن تورات هیچ تردیدی برای ما نمی گذارد که چرا خدا او را برگزید: "نوح مردی بود راستوار و بی نقص در نسل خود؛ نوح با خدا راه می رفت." همچنین در مورد علت گزینش موسی توسط خداوند، دلیل می آورد. موسی را مردی جوان

می بینیم که هم در مصر و هم در میدیان با دیدن هر بیعدالتی، فرق نمی کرد چه کسی عامل آن و چه کسی مورد بیعدالتی بود، مداخله می کرد. خدا به یرمیای نبی گفت: "پیش از آنکه تو را در زهدان مادر شکل بخشم، می شناختم؛ پیش از آنکه متولد شوی، تو را نشان کردم؛ تو را به نبوت ملت ها برگزیدم." اینها بی تردید، انسان هایی خارق العاده بودند. اما این چنین نشان کردنی در مورد ابراهیم رخ نمی دهد. از این رو در طول قرن ها حکیمان و تفسیرگران و فیلسوفان ناچار به تفکر ژرف شدند تا این شکاف را در روایت پراسازند و در مورد ویژگی های متفاوت ابراهیم دیدگاه های خود را بیان کنند.

سه توضیح اولیه وجود دارد. اولی بر اساس: *ابراهیم سنت شکن و بت شکن*. این را از سخنرانی جانشین موسی، یهوشووع در اواخر کتاب یهوشووع درمی یابیم. این بخشی است که در هگادای شب پسخ دارای برجستگی است: در روزگار دور، نیاکان شما ترح، ابراهیم و ناحور آن سوی رود فرات می زیستند و خدایان بیگانه را پرستش می کردند. (یهوشووع ۲:۲۴). ترح، پدر ابراهیم بت پرست بود. بر اساس میدراش او بت می ساخت و می فروخت. یک روز ابراهیم همه بت ها را شکست و چوب را در دست بت بزرگتر قرارداد. وقتی پدرش برگشت و پرسید چه کسی خدایان او را شکسته، ابراهیم بت بزرگتر را متهم ساخت. پدرش پرسید: آیا با من شوخی می کنی؟ بت ها نمی توانند هیچ کاری بکنند. " ابراهیم جوان پرسید: پس چرا آنها را پرستش می کنی؟

در این دیدگاه ابراهیم نخستین کسی بود که بت های زمان خود را به چالش کشید. این دیدگاه دارای نکته ای ژرف است. یهودیان، خواه خداپاور و خواه غیر آن، سنت شکن بوده اند. برخی از انقلابی ترین متفکران، به ویژه در دوران مدرن، یهودی بوده اند. آنها شهامت به چالش کشیدن فهم دریافت شده از گذشتگان، طرح اندیشه های نوین و دیدن جهان از راه های بیسابقه را داشته اند، از آئیشتاین در فیزیک تا فروید در روانشناسی، شوئنبرگ در موسیقی، مارکس در اقتصاد و آموس تورسکی و دانیل کانمن در رفتارشناسی اقتصادی. چنان

که گویی در دی ان ای فرهنگی آنان همان چیزی ثبت شده که حکیمان تلمودی در مورد ابراهیم گفته اند: *ha-Ivri* [به آن سو رفته]، به معنای کسی که یک سو بود و باقی دنیا در سوی مقابل.<sup>1</sup>

دیدگاه دوم از سوی مشه بن مایمون [ابن مایمون/میمانیدس] در میشنه تورا بیان شده است: ابراهیم فیلسوف. در روزگاری که مردم از ایمان نخستین انسان ها به خدای یکتا به سراشیب بت پرستی سقوط کرده بودند، یک نفر در برابر شیوه تفکر رایج ایستاد و آن هم ابراهیم در سنین جوانی بود:

این مرد بزرگ چون رشد کرد ذهنش به کار افتاد و از خود پرسید: چگونه ممکن است که این زمین پیوسته در حرکت باشد و هیچ حرکت دهنده ای نداشته باشد؟ ... او هیچ معلمی و آموزگاری نداشت... تا آنکه به راه حقیقت رسید... و دانست خدای یکتایی هست... وقتی ابراهیم چهل ساله شد، خداوند را شناخت.<sup>2</sup>

بر این اساس، ابراهیم نخستین فیلسوف همسو با ارسطو، نخستین متفکر متافیزیک و اولین کسی بود که به خدا همچون نیرویی که خروشید و ستارگان را به حرکت وامی دارد، اندیشید. این دیدگاه کمی عجیب می نماید با توجه به این که در تنخ [مجموعه پنج کتاب تورات، کتب انبیاء و کاتبان] به استثنای کتب حکمت مانند امثال سلیمان، جامعه سلیمان و کتاب ایوب، اندکی فلسفه یافت می شود. روایت موسی بن مایمون از ابراهیم بیشتر شبیه خود موسی بن مایمون است تا ابراهیم. با این حال فردریک نیچه که چندان از یهودیت خوشش نمی آمد، چنین نوشت:

اروپا تشکر بزرگی به یهودیان بدهکار است که موجب تفکر منطقی تر شده، عادت های فکری منظم تری برقرار ساختند.... هر جا یهودیان نفوذ یافتند به افراد آموختند که چگونه تمایزهای دقیق، ارجاع های محکمتر برقرار کرده، روشنگرانه تر و دقیقتر

<sup>1</sup> Bereishit Rabbah (Vilna), 42:8.

<sup>2</sup> Mishneh Torah, *Laws of Idolatry*, chapter 1.

بیندیشند. کار آنها همواره این بوده که مردم را به "گوش سپردن به ندای عقل" فرابخوانند.<sup>3</sup>

شرحی که نیچه داد، چشمگیر است. او گفت که یهودیان فقط در میدان خردورزی، گوی سبقت را ربودند. در زمینه های دیگر، یهودیان رویاروی بوده اند با تبعیض نژادی و طبقاتی. نیچه نوشت: "هیچ چیزی دمکراتیک تر از منطق نیست." از این رو یهودیان منطقی دان شدند و این سابقه به قول موسی بن مایمون از ابراهیم آغاز شد.

اما دیدگاه سومی هست که در میدراش مربوط به آیه های نخستین پاراشای هفته ما آمده است: خداوند به ابراهیم گفت: "سرزمین خود، زادگاهت و خانه پدری ات را ترک کن..." این به چه می ماند؟ به مردی که در حال سفر از جایی به جای دیگر بود و کاخی دید شعله ور در آتش. از خود پرسید "آیا ممکن است که این کاخ صاحبی نداشته باشد؟" صاحب کاخ به بیرون نگاه کرد و گفت: "من صاحب کاخ هستم." ابراهیم پدر ما نیز گفت: آیا ممکن است که این جهان حکمرانی نداشته باشد؟ خداوند متبارک و متعالی به بیرون نظر کرد و گفت: من حکمران و سرور جهان هستم.

این یک میدراش رازآمیز بوده، منظور آن بسیار ناروشن است. من در کتاب خود به نام *A Radical Letter in the Scroll*، نامه ای درون طومار، منتشر شده در بریتانیا با نام *Radical Then*، همان کاخ - و بی نظمی بشریت - همان شعله های آتش - گیر کرده بود. چگونه در دنیایی خلق شده توسط خدایی خوب این همه شرارت می تواند وجود داشته باشد؟ اگر کسی زحمت ساختن کاخی را به خود می دهد آیا آنرا در شعله ها رها می کند؟ اگر خدا جهان را خلق می کند، آیا می گذارد که مخلوقات خودش آنرا ویران کنند؟ در خوانش من آنچه ابراهیم را به تفکر واداشت، هماهنگی فلسفی نبود، بلکه آشوب اخلاقی بود. از دید ابراهیم، ایمان با

---

<sup>3</sup> Friedrich Nietzsche, *The Gay Science*, translated with commentary by Walter Kaufmann, New York, Vintage, 1974, 291.

دشواره ای شناختی آغازشد. تنها یک راه برای حل این دشواره وجود دارد: اعتراض به شرارت و مبارزه با آن.

این است معنای گزنده میدراش وقتی می گوید که صاحب کاخ سرش را بیرون آورد و گفت "من صاحب کاخ هستم." چنان که گویی خدا به ابراهیم گفت: من به تو نیاز دارم تا شعله ها را خاموش سازی.

چگونه چنین کاری ممکن است؟ خدا همه توانا است. انسان ها بس ناتوانند. چگونه ممکن است خدا به ابراهیم بگوید به تو نیاز دارم تا در خاموش کردن شعله ها به من کمک کنی؟ پاسخ این است که شر وجود دارد زیرا خداوند به انسان ها موهبت آزادی داده است. بدون آزادی ما از قوانین خدا سرپیچی نمی کردیم. اما در آن صورت، چیزی بیش از ربوبت هایی نمی بودیم که برنامه ریزی شده اند تا هرچه خدا می خواهد انجام دهیم. آزادی و سوء استفاده از آن بن مایه های داستان آدم و حوا، هابیل و قابیل و نسل توفان نوح هستند.

چرا خدا مداخله نکرد؟ چرا او انسان های اول را از خوردن میوه ممنوع بازداشت یا جلوی قابیل را هنگام کشتن هابیل نگرفت؟ چرا صاحب کاخ، شعله های آتش را خاموش نمی کرد. زیرا خداوند با دادن آزادی به ما خود را از دخالت در شرایط انسانی کنار کشید. اگر او هر بار ما را از انجام کار نادرست باز می داشت، ما آزادی نداشتیم. هرگز به پختگی نمی رسیدیم و از خطاهای خود درس نمی گرفتیم و هرگز به صورت و شباهت خدا نمی رسیدیم. ما همچون فاعل های آزاد وجود داریم به دلیل *tzimtzum* یا خودمحدودسازی نیروی الهی. از این رو است که در مختصاتی که خدا انسان را آفریده، شعله های شرارت انسانی، حذف شدنی نیستند.

خداوند به کمک ما نیاز دارد. از این رو ابراهیم را برگزید. ابراهیم نخستین فردی بود که به نام خدا در تاریخ ثبت شده به بیعدالتی در دنیا اعتراض کرد، نه این که به نام خدا بیعدالتی را بپذیرد. ابراهیم مردی بود که گفت: "آیا داور تمامی جهان به عدالت رفتار کند؟" در جایی

که نوح پذیرا بود، ابراهیم نپذیرفت. ابراهیم مردی است که خداوند گفت: من او را برگزیده ام تا فرزندان و خاندان خود را راهنمایی کند تا راه خدا در انجام درست و غلط را محافظت کنند. ابراهیم پدر یک ملت، یک ایمان و یک تمدن بود که در طول تاریخ به قول آلبرت آینشتاین "عشق سرسختانه به عدالت" را نمایندگی کرده است.

من ایمان دارم که ابراهیم پدر ایمان بود، اما ایمان نه به معنای پذیرا بودن، بلکه ایمان همچون اعتراض به شعله های آتشی که کاخ را می سوزاند و اعتراض به شرارتی که دنیای زیبای خدا را تهدید می کند. ما با آن شعله ها از راه کنش های برقرارکننده عدالت و شفقتی مبارزه می کنیم که جلوی پیروزی شر را می گیرند و دنیا را اندکی به آنچه باید نزدیک می سازند.

شبات شالوم



برای دیگر آثار ربای ساکس لطفاً از این تارنما بازدید فرمایید - [www.rabbisacks.org](http://www.rabbisacks.org)  
کلیه حقوق محفوظ است • دفتر ربای ساکس توسط بنیاد عهد و گفتگو حمایت می شود

\*ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian